

## تقویم ایران قدیم

در سال ۱۳۱۱ شمسی نگارنده این سطور از تألیف کتابی در تواریخ و اعیاد ایرانیان فراغت یافت که جز سه بهره «نوروز» و «مهرگان» و «سده» از آن را بچاپ نرسانید و اگر چه با انتشار کتاب جامع و استادانه جناب آقای تقی زاده بنام گاه شماری در ایران، خود را از نشر تمام و یا مختصری از قسمت تاریخ یا تقویم آن کتاب بی نیاز میدانست معیناً بدعوت دانشگاه تهران در نوروز امسال خلاصه ذیل را از بخش تواریخ کتاب مذکور بنحویکه شایسته ایراد در رادیو باشد در نهایت اختصار و بارعایت کمال سادگی و صراحت استخراج کرد و چون چندبار از جانب افراد مختلف تقاضای نسخه‌ای از گفتار مذکور خواه از نگارنده و خواه از اداره تبلیغات دانشگاه شده بود بنشر این مختصر، اگر چه ارجی و مقداری ندارد، جرأت یافت و همچنانکه معروض افتاد اگر چه این صحایف و سطور در نهایت اختصار و بدون توجه دقیق بموازین فنی تهیه شده امید است که مقبول نظر خوانندگان گرامی افتد.

بیش از شروع باصل مطلب ذکر این نکته را لازم میدانم که حساب ماه و سال را در عرف این فن معمولاً تقویم یا تاریخ میگویند و بنا بر این اگر در این گفتار چند بار سخن از تاریخ بمیان آید مراد از آن علم معروف یعنی ذکر وقایع و حوادث گذشته نیست.

راجع بچگونگی حساب روزها و ماهها و سالها در ایران قدیم اطلاعات ما از دوره سلسله هخامنشیان آغاز میشود و مسلم است که در ایران از دوره هخامنشی بیعد دو نوع تقویم وجود داشت یکی تقویمی که نمونه اسامی ماههای آن را در کتیبه‌ها و آثار سلاطین هخامنشی می‌بینیم و دیگر تقویمی که جانشین آن گردیده و هنوز هم معمول و بتقویم یا تاریخ اوستائی مشهور است. در کتیبه‌های هخامنشی و همچنین در مجموعه‌ای از اسناد که در پرسپولیس کشف شده بنام عده‌ای از ماهها باز میخوریم که معلوم نیست از کی در ایران معمول بوده و آیا در عهد سلاطین ماد نیز رسمیت

داشته و یاتنها از زمان شاهنشاهی هخامنشیان پذیرفته شده است. از این تقویم اسامی نه ماه را داریوش کبیر در کتیبه معروف خود در بیستون آورده است و اسامی همه آنها یعنی دوازده ماه را در مقدار زیادی از الواح که در تخت جمشید یافته‌اند و گویا صورت مالیات و حسابهای مملکتی است دیده‌اند و بعضی از آن اسامی را مانند گرم پد - نوروهار - باکایادیش - انامک - مرغ زن - و یخن برای نمونه ذکر می‌کنم.

در این تاریخ دوازده ماه وجود داشت و علی‌الظاهر اول سال در آن مصادف با آغاز فصل پائیز بود و بعید نیست که آریائی‌ان ایرانی آنرا هنگام مهاجرت بایران با خود آورده باشند ترتیب سال در این تقویم مانند سال شمسی و کیسه در آن معمول بود و بعقیده وست در اواخر سلطنت داریوش کبیر و به حدس گوت شمید در عهد سلطنت داریوش دوم یعنی سال ۴۲۸ قبل از میلاد منسوخ و تقویم اوستائی جایگزین آن گردید.

تقویم یا تاریخ اوستائی که هنوز هم اساس تقویم ایرانی بر آن استوار است تقویمی است که ظاهراً در همان روزگار که تقویم کهن آریائی در بعضی نقاط ایران معمول بوده در قسمتهائی که تحت نفوذ آئین زرتشتی بود رواج مییافت این تقویم با وضع گاه شماری قدیم ایران تفاوتی نداشت جز آنکه سال و ماه و ایام را در آن اسامی تازه ای بود. از این اسامی بعضی نام شش‌امشاسفند و بعضی نام ایزدان دیگر است بدین ترتیب که اردیبهشت - خرداد - امرداد - شهریور - بهمن - اسفند بنام شش‌تن از فرشتگان بزرگ و یا وران مقرب اهورمزدا در اداره امور عالم موسوم اند و ما بقی ماهها را بنام بعضی از ایزدان یعنی فرشتگان درجه دوم و یکی از آنها یعنی دی را بیکی از نعوت و القاب اهورمزدا خوانده‌اند.

در ایران قدیم هفته در میان زرتشتیان وجود نداشت چنانکه میدانیم استفاده از این روش خاص سامیان است. بجای هفته ایرانیان هر یک از ایام سی‌روزه ماه‌ها را بنامی میخواندند که برخی از آنها بنام شش‌امشاسپند و بعضی بنام ایزدان و چندروز نیز بعضی از القاب و نعوت اهورمزدا موسوم بوده و بدین طریق نام دوازده

ماه نیز در جزء اسامی ایام وجود داشت ، اسامی روزها در ایران قدیم بترتیب چنین بوده است :

هرمزد - بهمن - اردیبهشت - شهریور - اسفندارمذ - خرداد - امرداد - دیبافر  
- آذر - آبان - خورماه - تیر - کوش - دیبمهر - مهر - سروشن - رشن - فروردین - بهرام  
- رام - باد - دیبادین - دین - ارد - اشناد - آسمان - زامیاد - ماه -  
اسفند - ایران .

در تقویم اوستائی سال ۳۶۵ روز است ولی هیچیک از ماههای دوازده گانه از سی روز تجاوز نمیکند و بنابراین مجموع دوازده ماه از ۳۶۰ روز تشکیل میشود و پنج روز زائد، نیز در آخر سال قرار دارد. این پنج روز زائد را نیاکان ما بروایت ابوریحان در الآثارالباقیه پنجه مینامیدند و معرب آن فنجی است و آنرا اندرگاه نیز میگفتند . این پنج روز در حساب هیچیک از ایام دیگر در نمی آید و جدا گانه هر يك را اسمی بنام پنج گانا بوده است و قسمتی از جشن فروردگان که معرب آن فروردجان است نیز در همین پنج روز قرار داشت .

با ذکر این مختصر کیفیت گاهشماری ایرانیان قدیم تا درجهای روشن گشت و البته باید دانست که این اسامی پس از رسمیت یافتن و عمومیت آئین زرنشتی در همه نواحی ایران پذیرفته و معمول شد منتهی بر اثر اختلاف لهجات محلی اسامی ماه و روز در هر ناحیه تغییرات جزئی یافت و جدول اسامی ماهها و روزها و اندرگاه در نزد سفدیان و خوارزمیان و جز آنها در برخی از کتب قدیم آمده است و هنوز هم اسامی اوستائی مذکور با اختلافات خاص لهجه محلی در مازندران و خاصه روستاهای این ناحیه معمول است مانند اونماه بجای آبانماه - میرماه بجای مهرماه - شرورماه بجای شهریورماه - تیرماه بجای تیرماه و نظایر آنها .

لابد خوانندگان گرامی در نظر دارند که سال شمسی از ۳۶۵ روز اندکی متجاوز است یعنی نزدیک شش ساعت و اگر این کسر زائد را بحساب نیاوریم بتدریج در ترتیب ایام سال اختلالی حاصل میشود چنانکه پس از یکصد و بیست سال نوروز از آغاز فروردین با آغاز اسفندماه میافتد و برای آنکه باز نوروز بمحل واقعی خود یعنی

نقطه اعتدال ربیعی باز گردد ۱۴۴۰ سال لازم است. ایرانیان قدیم متوجه این نکته بوده و بحساب کسور زائد توجه دقیق میکرده اند منتهی چون برای هر يك از ایام سال تشریفات مذهبی خاصی معمول بود که میبایست بموقع اجرا گردد و از نیروی نمیتوانستند در عدد ایام سال تغییری دهند ناگزیر هر صد و بیست سال یکبار از مجموع این کسور زائد يك ماه سی روزه ترتیب میدادند و آنرا بر آخر یکی از ماهها می افزودند و در صد و بیست سال دوم در آخر ماهی دیگر. این ماه معمولاً نام همان ماهی را داشت که دنبال آن بود مثلاً در صد و بیست سال نخستین دو فروردین و در صد و بیست سال دومین دو اردیبهشت داشتند و چنین ماهی را بهیزک یعنی مبارک میگفتند. این حساب بیشتر در مراکز روحانی و دولتی صورت میگرفت زیرا در این دو مرجع است که حاجت بحساب درست سال و ماه محسوس مییاشد ولی در میان عامه مردم ظاهراً این امر چندان رواج نداشت.

آخرین کیسه سالهای ایرانی در دوره خسرو اول انوشیروان صورت گرفت و دور کبس در این هنگام بمسماه آبان رسیده بود یعنی ماه بهیزک را بعد از آبان افزوده بودند و بعد از این تاریخ دیگر کیسه سالها صورت نگرفت زیرا انقراض ساسانیان پیش از فرا رسیدن صد و بیست سال نهم صورت گرفته بود و این امر باعث شد که ایام سال در تقویم ایرانی بگردش اقتدا و از آنجمله نوروز و مهرگان و سایر اعیاد هیچگاه موضع ثابتی در طول سال نداشته باشد و مثلاً یکوقت نوروز در فروردین و چند قرن بعد در اوایل فصل پائیز یا فصل و ماهی دیگر قرار گیرد.

چنانکه میدانیم در دوره ساسانیان اخذ مالیاتهای دولتی از نوروز آغاز میشد و این رسم با بسیاری از رسوم دیگر ایرانی بعداً در دربار عباسی که بایران و تمدن و رسوم و آداب ایرانی بسیار نزدیک بود نیز معمول گردید ولی چون نوروز همواره در تقویم بود عمال دولت عباسی در رنج بوده و برای شروع باخذ مالیات موعد معینی نداشته اند و علاوه بر این تأدیة مالیات برای مؤدیان نیز دشوار میگردد و بهمین سبب است که دو تن از خلفای عباسی یعنی المتوکل و المعتضد ب فکر کیسه کردن سالهای ایرانی بنا بر رسم ایرانیان پیش از اسلام افتادند و از همین طریق است که تاریخ

متوکلی و تاریخ معتضدی بوجود آمد و باز بر اثر همین اشکال است که در سال ۶۷۴  
بعهد سلطنت ملکشاه سلجوقی بوسیله خيام و هفت تن دیگر از منجمین کیسه‌ای صورت  
گرفت و نوروز بنقطه اعتدال ربیعی باز گردانده شد و تاریخ جدیدی پدید آمد بنام  
تاریخ جلالی یا تاریخ ملککی یا تاریخ ملکشاهی یا تاریخ محدث . بنا بروشی که  
خيام و همکاران او اختیار کردند کسور زائده هر چهار سال و گاه پنج سال یکبار  
محاسبه و در پایان همان سال افزوده میشد، در تاریخ جلالی بتقلید از ایرانیان  
قدیم برای هر ماه و ایام سی گانه آن و همچنین خمسۀ مسترقه اسامی  
جدیدی وضع شد که خواجه نصیر طوسی در کتاب سی فصل خود آنها را تمامی  
آورده است .

راجع بفصول سال باید گفت که ایرانیان از ایام بسیار کهن معمولاً سال را  
بدو فصل تقسیم می کردند نخست تابستان بزرگ موسوم به «هم» از آغاز فروردین تا پایان  
مهر مادودیکر زمستان بزرگ موسوم «به زین» از آغاز آبان تا پایان سال . ولی در دوره  
ساسانی معمولاً سالهای ایرانیان بچهار فصل و هار (یعنی بهار) - هارمین (یعنی تابستان)  
پائیز (یعنی پائیز) و زمستان تقسیم میگردد .

اما مبداء سال در نزد ایرانیان پیش از اسلام همواره تغییر می یافت بدین معنی  
که جلوس هر پادشاه مبداء جدیدی برای ایرانیان بود و این امر بوسیله مآخذ مختلف  
ثابت و مدلل میگردد و تنها در مدت تسلط اسکندر و سلوکیان یعنی جانشینان  
اسکندر در ایران تاریخ مقدونی هم معمول بود اما در تمام این مدت ایرانیان تاریخ  
و تقویم ملی خویش را حفظ کرده بودند و در دوره سلطنت اشکانیان نیز بنا بر  
آنچه از اکتشافات مختلف برمیآید و تاریخ در ایران متداول بوده است یکی مقدونی  
که مبداء آن از سال ۳۱۲ قبل از میلاد و دیگر پارتی یا اشکانی که مبداء آن از  
۲۴۷ قبل از میلاد بود و در دوره ساسانیان باز رسم قدیم ایران در تعیین مبداء سالها  
تجدید گشت یعنی سال جلوس هر شاهنشاه مبداء جدیدی برای تاریخ گشت و آخرین  
مبداء تاریخ دوره ساسانی سال جلوس یزدگرد پسر شهریار است بر تخت سلطنت ساسانی  
که مصادف بوده است با سال ۶۵۲ میلادی و چون پس از یزدگرد کسی سلطنت نیافت

تاریخ جدیدی برای ایرانیان بوجود نیامد و همان تاریخ بنام تاریخ یزدگردی در نزد ایرانیان خاصه زرتشتیان محفوظ ماند. اما در تاریخ یزدگردی کیسه و بهیزک را مراعات نمی کنند و بهمین سبب سالهای تاریخ یزدگردی همواره در تغییر است. با قتل یزدگرد در سال ۶۵۲ میلادی مصادف با سال ۳۱ هجری ایرانیان مبداء تاریخ جدیدی برای خویش ترتیب دادند که در عین تداول تاریخ یزدگردی آهم معمول بود و این تاریخ را در زیجات و کتب نجومی معمولاً تاریخ مجوسی نامیده اند و در آن هم کشور زاه محسوب نمیگردد و بنا بر این سالهای تاریخ مجوسی و یزدگردی را میتوان شمسی اصطلاحی دانست نه شمسی حقیقی و تنها یکبار در میان زرتشتیان هند کیسه سالها بنا بر رسم ایرانیان قدیم صورت گرفت و از این طریق تاریخ شاهنشاهی بوجود آمد.

### کتابهای خطی کتابخانه سلطنتی

کتابهای خطی مصور بسیار از کتابخانه سلطنتی بعهد مظفرالدین شاه لسان الدوله ترك کتابدار سلطنتی بدزدید و چون راه بفرنگ داشت بفرنگ برده و بفروخت و مدتها کس این ندانست اتابیک را منهیان و خبررسانان مخبر داشتند قزاق بفرستاد که آنچه هنوز نبرده بستانند. آن احمق من هبنقه چاره ندید که کتب را از چشم مقشین و مأمورین پنهان کند مضطرانه تمام را در حوض آب ریخت و آن کتب نفیسه و خطوط عالیه و نقاشی های کارچین و استادان بزرگ را از میان برد و چون از آب برآوردند هیچیک قابل تمتع نبود و از میان برفت.

از یادداشت های مرحوم تقی دانش (مستشار اعظم)